

## تحول رژیم حقوقی بین‌المللی حفاظت از محیط زیست دریایی در مقابل آلاینده‌های مستقر در خشکی؛ از مونته‌گوبی تا کارتاگنا

سید قاسم زمانی<sup>۱</sup>، مهرداد محمدی<sup>۲\*</sup>، سیدعلی حسینی آزاد<sup>۳</sup>

۱- دانشیار دانشکده‌ی حقوق دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، تهران، پست الکترونیکی: drghzamani@gmail.com

۲- دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، تهران، پست الکترونیکی: mehrdad.university@gmail.com

۳- کارشناس ارشد حقوق بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، تهران، پست الکترونیکی: saha\_110@yahoo.co.uk

تاریخ پذیرش: ۹۳/۱۰/۱۴

\* نویسنده مسول

تاریخ دریافت: ۹۲/۱۱/۱۳

© نشریه علمی - پژوهشی اقیانوس‌شناسی ۱۳۹۴، تمامی حقوق این اثر متعلق به نشریه اقیانوس‌شناسی است.

### چکیده

منابع آلودگی دریاها گسترده و متنوع است، تا بدانجا که علاوه بر آلودگی‌های نفتی، آلودگی‌های جوی، تردد کشتی‌ها و فعالیت‌های اکتشافی در بستر دریاها، منابع آلاینده‌ی دیگری وجود دارند که گرچه منشأ آنها در خشکی است، لیکن از مهم‌ترین منابع آلاینده‌ی دریاها محسوب می‌شوند؛ که از جمله می‌توان به مواردی همچون تخلیه‌ی پسماندها و دفع زباله‌های شهری در دریا، ایجاد جزایر مصنوعی، ورود پساب شور دستگاه‌های آب شیرین‌کن و غیره اشاره کرد. به رغم توجه ماده‌ی ۲۰۷ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها به آلاینده‌های مستقر در خشکی، و نظر به گستردگی و شدت فزاینده‌ی این آلاینده‌ها، مقابله با این معضل به دغدغه‌ای برای جامعه‌ی بین‌المللی بدل گشته است. در حقیقت، پیش‌بینی‌های کلی و عام کنوانسیون حقوق دریاها توان مقابله با تنوع و گستردگی پدید آمده را نداشت و مقررات حقوق بین‌الملل عام نیز به نظر نمی‌توانست به حد کافی کارایی داشته باشد.

نظر به نقصان مطروحه، و با عنایت به اصرار اسناد جهانی و از جمله کنوانسیون فوق‌الذکر به گسترش همکاری‌های منطقه‌ای، پس از تصویب کنوانسیون حقوق دریاها، در سطح منطقه‌ای با گسترش کنوانسیون‌های بسیاری روبرو بوده- ایم که عموم آنها به مقابله با آلودگی‌های ناشی از منابع مستقر در خشکی نظری ویژه داشته‌اند و تحولی عمده را پیش روی حقوق بین‌الملل محیط زیست رقم زده‌اند. لذا، این مقاله در صدد بررسی سازوکارهای موجود در این زمینه، سنجش کارایی اسناد پدیدار گشته و شناسایی خلاءهای احتمالی و جمع‌بندی و ارائه‌ی پیشنهاداتی حقوقی جهت صیانت هر چه بهتر از محیط زیست دریایی است.

کلمات کلیدی: کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها، محیط زیست دریایی، حقوق بین‌الملل دریاها، حقوق بین‌الملل محیط زیست،

کنوانسیون‌های منطقه‌ای، منابع آلاینده مستقر در خشکی.

## ۱. مقدمه

ابعاد علمی آلودگی دریایی (موسوم به GESAMP)<sup>۱</sup>، در سال ۱۹۶۹ آلودگی را بدین نحو تعریف نمود: «هرگونه ریختن مستقیم یا غیر مستقیم مواد یا انرژی توسط انسان به محیط زیست دریا (شامل مصب‌ها) که آثار زیانباری همچون لطمه به منابع جاندار، به مخاطره افکندن سلامت انسانی، وقفه در فعالیت‌های دریایی از جمله ماهیگیری، زیان رساندن به کیفیت آب دریاها و کاهش مطبوع بودن آن را در پی داشته باشد»<sup>۲</sup>.

در کنوانسیون حقوق دریاها که حفاظت از محیط زیست دریایی بخش مهمی از رژیم حقوقی آن را تشکیل می‌دهد، آلودگی محیط زیست دریایی چنین تعریف شده است: «آلودگی محیط زیست دریا یعنی ریختن مواد و انرژی توسط بشر به‌طور مستقیم و غیر مستقیم در محیط زیست دریا (شامل مصب) که منجر به ورود صدمه و خسارت به منابع زنده و حیات دریا، زیان به سلامت و بهداشت بشری، وقفه در فعالیت‌های دریایی از جمله ماهیگیری و سایر استفاده‌های مشروع از دریا و لطمه به کیفیت آب مورد استفاده و کاهش مطبوع بودن آن می‌گردد»<sup>۳</sup>.

### ۲-۲. منابع آلاینده‌ی محیط زیست دریایی با منشأ خشکی<sup>۴</sup>

بدون تردید، آلودگی‌های ناشی از منابع و فعالیت‌های مستقر در خشکی سهم عمده‌ای از آلودگی محیط زیست دریا را تشکیل می‌دهند. در واقع، یکی از مجاری ورود آلودگی به دریاها

جامعه‌ی بین‌المللی در پی اقدامات متنوع و گوناگونی که از اوایل قرن بیستم در خصوص تدوین مقررات مربوط به حقوق دریاها پیش گرفته بود، سرانجام در ۱۹۸۲ به مقصد نائل آمد و به یک سند جهانی و الزام‌آور در زمینه‌ی مزبور دست یافت. کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها، به جنبه‌های متنوعی از حقوق دریاها و از جمله به حفظ محیط زیست دریایی و همچنین آلاینده‌های مستقر در خشکی که موضوع این مقاله است، توجه داشته و می‌توان گفت علیرغم کلی بودن مفاد آن و عدم توجه به بسیاری از جزئیات، جامع‌ترین سند در این وادی است. جامعه‌ی جهانی با طی سال‌های پس از ۱۹۸۲ و با تجربه‌ی آماج آلودگی‌های زیست‌محیطی نوین و بی سابقه، متوجه کاستی‌های نظام حقوقی قبلی شد و روند رو به تزاید سیل آلاینده‌هایی که منشأ آنها در خشکی قرار داشت، دولت‌ها را به این سو کشاند که هم در قالب هنجارهای عرفی با گذر از رویه‌های ضمنی و هم در قالب هنجارهای حقوقی نرم، موجد قواعد حقوقی نو باشند. در عین حال، اعضای جامعه‌ی بین‌المللی به نیکی بر این واقعیت واقف گشتند که سازوکارهای منطقه‌ای به نحوی نیکوتر توان رویارویی با آلاینده‌های زیست‌محیطی داشته و اقبال عمومی آنها در توسل به فعالیت‌های منطقه‌ای را در اسناد بسیاری از جمله کنوانسیون ۱۹۸۲ و دستور کار ۲۱ می‌توان مشاهده کرد. و این‌گونه بود که در سال‌های پس از ۱۹۸۲ تحولی چشمگیر در نظام حقوقی مبارزه با آلاینده‌های دریایی مستقر در خشکی رخ داد و اسناد و قواعد عمده‌ای هم در سطح منطقه‌ای و هم جهانی ظهور یافته، اصلاح شده یا تکامل پیدا کرد. بنابراین، مقاله‌ی حاضر در نظر دارد، ضمن بیان مختصری در خصوص معرفی آلاینده‌های مستقر در خشکی، توسعه و تحولی که در حقوق بین‌الملل محیط زیست دریایی در رابطه با آلاینده‌های با منشأ خشکی پس از کنوانسیون ۱۹۸۲ پدید آمده است را به بررسی نهاد و موارد نوظهور و یا تکامل یافته یا اصلاح‌شده‌ی آنها را به طور برجسته نمایان سازد.

## ۲. شناخت مفهوم آلودگی و انواع آلاینده‌ی مستقر در خشکی

### ۲-۱. مفهوم آلودگی محیط زیست دریایی

محیط زیست دریایی، شامل سطح دریا، فضای فوقانی، آب-های زیر سطح، بستر دریا، زیر بستر دریا است. گروه کارشناسان

<sup>۱</sup> GESAMP (Group of Experts on the Scientific Aspects of Marine Environmental Protection) یک نهاد مشورتی تخصصی است که با آژانس‌هایی همچون UNEP، IAEA، WHO، UNESCO، FAO، IMO همکاری می‌نماید. وظیفه اصلی این نهاد عبارتست از ارائه مشورت‌های علمی در زمینه مشکلات آلودگی محیط زیست دریا به آژانس-های همکاری و کمیسیون بین‌الدولی اقیانوس شناسی (IOC).

<sup>۲</sup> آلودگی‌های پدید آمده، به راحتی می‌تواند وارد زنجیره‌ی غذایی انسان‌ها نیز گشته و حیات بشر را به مخاطره افکند. در این مورد بنگرید به:

قاسم‌زاده و همکاران، ۱۳۹۱. مطالعه‌ی آلاینده‌ی و اثرات زیست‌محیطی فلزات سنگین و ارتباط بین پراکنش این عناصر با منغیرهای فیزیکی و شیمیایی در رسوبات فلات قاره‌ی دریای عمان، ناحیه‌ی چابهار، نشریه‌ی اقیانوس شناسی، سال سوم، شماره ۱۰، صص ۳۵ - ۲۷.

<sup>۳</sup> United Nations Convention on the Law of the Sea (UNCLOS), 1982. Art. 1(4)

<sup>۴</sup> در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان منابع آلوده‌کننده را به سه دسته تقسیم نمود: آلودگی‌هایی که از منابع زمینی (مستقر در خشکی) وارد دریا می‌شوند؛ آلودگی‌هایی که از هوا به دریا می‌ریزند و آلودگی‌هایی که در داخل دریا ایجاد می‌شوند. در باب انواع آلاینده‌ها به طور مختصر باید به آلودگی ناشی از نشت یا تصادم کشتی‌ها و در نتیجه ریزش مواد نفتی و سمی به داخل دریا اشاره نمود. همچنین مواد زائد ممکن است از طریق هوا وارد دریا گردند. بعلاوه در این راستا باید از حفاری و معدنکاری در بستر دریا نام برد که می‌تواند با ایجاد رسوبات و گل‌آلود نمودن دریا، اکوسیستم و محیط دریایی را به شدت به مخاطره بیفکند.

### ۳-۱. حقوق بین‌الملل معاهده‌ای

بر صدر معاهدات متعدد موجود در حوزه‌ی محیط زیست دریایی، کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای نشسته است که با داشتن چهره‌ی جهانی منحصر و توجه ویژه به آلودگی‌های محیط زیست دریایی و همچنین آلودگی‌های مستقر در خشکی موقعیتی برجسته دارد. در زمان تصویب کنوانسیون حقوق دریاهای محیط زیست بین‌المللی برای حفاظت از محیط زیست دریایی، هرچند حقوقی توسعه یافته بود، اما نقطه‌ی عطف روند رو به توسعه‌ی این حقوق را می‌توان تصویب کنوانسیون مزبور دانست که همراه با تعداد کثیری از معاهدات جهانی و منطقه‌ای سیر تکاملی خود را می‌پیماید. (Stephens, 2009) در حال حاضر این کنوانسیون تنها معاهده‌ای است که تعهداتی عام در زمینه پیشگیری از آلودگی ناشی از منابع مستقر در خشکی را در سطح جهانی پیش-بینی نموده است.<sup>۶</sup>

در این راستا، ماده‌ی ۱۹۴ کنوانسیون در دو بند تعهدی عام و کلی را بیان داشته و دولت‌ها را مکلف می‌کند تا کلیه اقدامات لازم جهت پیشگیری، کاهش و کنترل آلودگی محیط زیست دریا از هر منبعی به عمل بیاورند و برای این منظور باید بهترین ابزار عملی در اختیار خود و مطابق با توانایی هایشان را به کار ببندند و کلیه تدابیر لازم را اتخاذ نمایند تا اطمینان حاصل کنند که فعالیت‌هایی که در قلمرو یا تحت کنترل ایشان صورت می‌پذیرند با ایجاد آلودگی به محیط زیست سایر دولت‌ها صدمه‌ای وارد نمی‌سازند؛ و این که آلودگی ناشی از سوانح و فعالیت‌های تحت کنترل یا در قلمرو ایشان به ماوراء مناطقی که حقوق حاکمیتی خود را طبق کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای اعمال می‌نمایند، تسری نیابد. شق نخست بند سوم ماده‌ی فوق‌الذکر اظهار می‌دارد: اقدامات انجام شده مطابق با این قسمت، از جمله، در بر دارنده اقداماتی خواهد بود که به منظور به حداقل رساندن ریخته شدن مواد سمی، زاینبار یا مهلک، به ویژه مواد پایدار، از منابع مستقر در خشکی، از طریق جو یا تخلیه پسماند اتخاذ می‌شوند.<sup>۷</sup>

<sup>۶</sup> قابل ذکر است که هنگام تصویب کنوانسیون حقوق دریاهای نشسته، در سطح منطقه‌ای اسناد عمده و مهمی در خصوص حفاظت از محیط زیست دریایی نظیر کنوانسیون ۱۹۷۴ پاریس، کنوانسیون ۱۹۷۴ هلسینکی، کنوانسیون ۱۹۷۶ بارسلونا و کنوانسیون ۱۹۷۸ کویت به منتهی ظهور رسیده بودند. (Wettestad, 1992)

<sup>۷</sup> به وضوح می‌توان دریافت که کنوانسیون ۱۹۸۲ با وضع این مقررات، در مقایسه با کنوانسیون ۱۹۵۸ ژنو در مورد دریای آزاد که متضمن مقرراتی در خصوص آلودگی بود گامی رو به جلو برداشته است. کنوانسیون ۱۹۵۸ دریای آزاد حاوی تنها دو مقرر در رابطه با آلودگی دریایی بود.

رودخانه‌ها هستند. آلودگی رودخانه‌ها مستقیماً از فاضلاب و پسماندهای صنعتی، کشاورزی و غیره وارد رودخانه و سپس وارد دریاها می‌شوند.<sup>۱</sup> همچنین عملیات معدنکاری در زمین نیز می‌تواند مقادیر زیادی خاک و پسماند فلزات و مواد سمی دیگر را به آب دریا وارد کند.<sup>۲</sup> یکی دیگر از منابعی که آلودگی فراوانی را وارد دریا می‌نماید رواناب‌های سطحی<sup>۳</sup> هستند. این رواناب‌ها از منابع کشاورزی، شهری، ساخت جاده، ساختمان، کانال، بنادر و ... ناشی شده و به همراه خود خاک و ذرات مملو از کربن، نیتروژن، فسفر و املاح را وارد دریا می‌کنند. به این ترتیب ملاحظه می‌گردد که آلودگی از منابع واقع در خشکی بیشترین سهم را در آلوده‌سازی محیط زیست دریایی دارد.

### ۳-۲. تحول حقوق بین‌الملل عام و حفاظت از محیط زیست

#### دریایی در برابر آلاینده‌های مستقر در خشکی

در یک چشم‌انداز کلی، حفاظت از محیط زیست دریایی در سطح بین‌المللی در قالب عرف بین‌المللی و اسناد جهانی و منطقه‌ای ذی‌ربط تبلور یافته است، که عمده‌ترین آن‌ها کنوانسیون ۱۹۸۲ ملل متحد در مورد حقوق دریاهای<sup>۴</sup> حاوی مقرراتی در زمینه حفاظت از محیط زیست دریایی است.<sup>۵</sup> اگرچه کنوانسیون حقوق دریاهای جامع‌ترین سند مورد توافق جامعه بین‌المللی در حوزه‌ی حقوق بین‌الملل دریاهاست، لیکن تحولات جهان و افزایش آلودگی‌های زیست محیطی، به ویژه آلودگی دریاهای توسط منابع فعالیت‌های مستقر در خشکی نشان‌دهنده ضعف آن، یا بهتر بگوییم عدم کارایی مناسب کنوانسیون در راستای مقابله با آلودگی‌های مستقر در خشکی است. از این رو در بخش‌های بعد به بررسی روند شکل‌گیری اصول و هنجارهای مربوطه و تحولات پس از کنوانسیون ۱۹۸۲ خواهیم پرداخت.

<sup>۱</sup> البته آلودگی فاضلاب‌ها و پسماندهای صنعتی که به شدت و گستردگی بسیاری در حال تخریب محیط زیست دریاهاست ممکن است به طور مستقیم به دریا ریخته شود.

<sup>۲</sup> به طور مثال آژانس حفاظت محیط زیست ایالات متحده اعلام نموده است که عملیات معدنکاری سبب آلودگی بیش از ۴۰ درصد سرچشمه‌های آبی غرب آمریکا گشته است. Environmental Protection Agency. "Liquid Assets 2000: Americans Pay (for Dirty Water)". Retrieved 2007-01-23.

<sup>۳</sup> runoff

<sup>۴</sup> United Nations Convention on the Law of the Sea (UNCLOS)

<sup>۵</sup> کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای نشسته به عضویت تعداد کثیری از کشورهای جهان و تدوین چارچوبی بدیع و جامع برای حمایت از محیط زیست دریایی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است

ماده ۲۰۷ کنوانسیون، به‌طور خاص در خصوص آلاینده‌های مستقر در خشکی، در مقام صلاحیت تجویزی از دولت‌ها می‌خواهد تا با در نظر گرفتن قواعد، استانداردها، و رویه‌های مورد توافق بین‌المللی نسبت به تصویب قوانین و مقررات در مورد پیشگیری، کاهش و کنترل آلودگی محیط زیست دریا ناشی از منابع مستقر در خشکی اقدام نمایند. در همین راستا، بند سوم از این ماده صراحتاً دولت‌ها را متعهد می‌سازد که تلاش نمایند سیاست‌هایشان را در سطح مناسب منطقه‌ای هماهنگ کنند. بعلاوه بند چهارم ماده ۲۰۷ دولت‌ها را ملزم به تلاش برای ایجاد قوانین منطقه‌ای و جهانی پیشگیری‌کننده از آلودگی ناشی از منابع مستقر در خشکی نموده، و از آنها می‌خواهد که سیاست‌های مرتبط خود را در سطح مناسب منطقه‌ای هماهنگ نمایند. در خصوص صلاحیت اجرایی، ماده ۲۱۳ کنوانسیون اطمینان می‌دهد که دولت‌ها قوانین و مقررات خود را که بر طبق ماده ۲۰۷ به تصویب رسیده‌اند به اجرا در آورده و دیگر تمهیدات لازم را جهت اعمال قوانین و مقررات بین‌المللی قابل اعمال را اتخاذ می‌نمایند.

در نهایت، در رابطه با سیر تحول این جنبه از حقوق بین‌الملل در طول مدتی که از انعقاد این کنوانسیون می‌گذرد شاهد پیشرفتی چشمگیر نبوده و جامعه بین‌المللی به تدوین سند مزبور اکتفا نموده است. به نظر می‌آید که جامعه بین‌المللی عامداً و با اعتقاد به کارآمدی بیشتر سازوکارهای منطقه‌ای، پرداختن به موضوع را به تمهیدات منطقه‌ای ارجاع داده است. در بخش ۳ مقاله حاضر مشاهده می‌شود، که این نظام حقوقی منطقه‌ای است که بعد از کنوانسیون ۱۹۸۲ در زمینه حفاظت از محیط زیست دریایی در برابر آلاینده‌های مستقر در خشکی گام‌هایی عملی به پیش نهاده و شاهد تحولاتی عمده است.

### ۳-۲. حقوق بین‌الملل عرفی و اصول کلی حقوقی

تنظیم آلودگی دریایی و بخصوص آلودگی ناشی از منابع و فعالیت‌های مستقر در خشکی یکی از موضوعات نسبتاً جدید مورد

توجه حقوق بین‌الملل می‌باشد. در پرتو روند کند اقدامات کشورها قوانین چندی در زمینه آلودگی دریایی در بستر حقوق عرفی توسعه یافته است (Juda, 1996). شاید مهم‌ترین قاعده عرفی در این زمینه را بتوان اصل «ممنوعیت استفاده‌ی زیان‌بار از سرزمین خود» دانست که اشعار می‌دارد هیچ کشوری حق ندارد سرزمین خود را به گونه‌ای مورد استفاده قرار داده یا اجازه استفاده از آن را بدهد که به سرزمین کشور دیگری صدمه وارد نماید.<sup>۱</sup> این اصل به «اصل همسایه‌ی خوب» نیز مشهور است. (عباسی اشلقی، ۱۳۹۰) بعدها این قاعده در اصل ۲۱ اعلامیه‌ی استکهلم و اصل ۲۱ اعلامیه ریو و سایر اسناد مورد تصریح قرار گرفت. لازم به ذکر است که اصل منع استفاده زیان‌بار از سرزمین در قضایای مختلف داوری و قضایی بین‌المللی مورد تأیید قرار گرفته است.<sup>۲</sup> همچنین این قاعده‌ی مهم در اصل ۲۱ اعلامیه‌ی استکهلم و پس از آن در اصل دوم اعلامیه‌ی ریو تدوین گردیده است.<sup>۳</sup>

امروزه بدون شک می‌توان گفت اصل منع استفاده‌ی زیان‌بار از سرزمین به یک قاعده حقوق بین‌الملل عرفی مبدل گشته است. دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در قضایای متعددی، از جمله در نظریه مشورتی راجع به تهدید یا استفاده از سلاح‌های هسته‌ای<sup>۴</sup> و نیز در رأی ترافعی پروژه‌ی گابچیکو و ناگی ماروس،<sup>۵</sup> بر ماهیت عرفی داشتن این قاعده مهر تأیید زده است.<sup>۶</sup>

<sup>۱</sup> قاعده sic utere tuo ut alienum non laedas، که نخستین بار در داوری قضیه تریل اسملتز (Trail Smelter) میان آمریکا و کانادا ابراز گردید، و امروزه به یکی از مهم‌ترین قواعد حقوق بین‌الملل محیط زیست تبدیل شده است.

بنا بر این رأی: «بر پایه‌ی اصول حقوق بین‌الملل، هیچ کشوری حق ندارد از سرزمین خود استفاده‌ای کند یا اجازه‌ی استفاده‌ی را از سرزمینش بدهد، بگونه‌ای که خسارتی در سرزمین همسایه ایجاد شود...» (چیکایا، بلز، چکیده‌ی رویه‌ی قضایی در حقوق بین‌الملل عمومی، ترجمه‌ی دکتر همایون حبیبی، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ۱۳۸۷، ص ۵۹)

<sup>۲</sup> در این مورد به طور کلی بنگرید به داوری قضیه‌ی تریل اسملتز و رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه‌ی کارخانه‌ی خمیر کاغذ بر روی رودخانه‌ی اوروگوئه.

همچنین ر ک: برنامه‌ی محیط زیست ملل متحد، حمایت از محیط زیست در مخاصمات مسلحانه از منظر حقوق بین‌الملل، ترجمه‌ی سید علی حسینی آزاد و مهرداد محمدی، مؤسسه‌ی مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، چاپ اول، تهران، ۱۳۹۳، ص ۱۳۴ - ۱۳۲

<sup>۳</sup> بعنوان مثال، در ماده سوم "پیش‌نویس طرح مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل راجع به پیشگیری از صدمات فرامرزی ناشی از فعالیت‌های خطرناک سال ۲۰۰۱" آمده است:

«دولت مبداء کلیه اقدامات ضروری جهت پیشگیری از صدمات فرامرزی چشمگیر و کاهش مخاطرات ناشی از آن را صورت خواهد داد».

Available at: [http://untreaty.un.org/ilc/texts/9\\_7.htm](http://untreaty.un.org/ilc/texts/9_7.htm)

برای دسترسی به متن اعلامیه‌ی فوق، بنگرید به:

<http://sedac.ciesin.org/entri/texts/rio.declaration.1992.html>

<sup>۴</sup> ICJ Reports (1996), 241-242, para. 29.

<sup>۵</sup> ICJ Reports (1997), 41, para. 53.

<sup>۶</sup> با این حال در خصوص این قاعده‌ی بنیادین حقوق بین‌الملل محدودیت‌هایی را بایستی در نظر داشت؛ نخست، این قاعده متضمن تعهد «مراقبت مقتضی» (due diligence) برای عدم ایراد

### ۳-۳. حقوق نرم و قوام نیافته

در سال‌های پس از کنوانسیون ۱۹۸۲، تلاش‌هایی در جهت توسعه‌ی سازوکارهای حقوقی جهانی مرتبط با آلودگی ناشی از منابع مستقر در خشکی به ویژه تحت نظارت برنامه محیط زیست ملل متحد (UNEP) صورت گرفت.<sup>۵</sup> یکی از دستاوردهای مهم در این زمینه تصویب «اصول راهنمای مونترال ۱۹۸۵» برای حفاظت از محیط زیست دریا در برابر آلودگی ناشی از منابع مستقر در خشکی است.<sup>۶</sup> اگرچه اصول راهنمای مونترال از ماهیتی داوطلبانه برخوردار است، اما این اصول به طور دقیق اقداماتی را تعیین نموده است که باید به منظور پیشگیری، کاهش و کنترل آلودگی ناشی از منابع مستقر در خشکی اتخاذ شوند. اصول راهنمای مونترال بر نیاز به یک «رویکرد مدیریت زیست محیطی جامع»<sup>۷</sup> تأکید می‌ورزد. همچنین از نکات برجسته‌ی این اصول، معرفی مفهوم مناطق حفاظت شده‌ی ویژه با عنایت به حفاظت از اکوسیستم‌های آسیب‌پذیر در برابر آلودگی ناشی از منابع مستقر در خشکی است.<sup>۸</sup>

چند سال بعد در سال ۱۹۹۲، مسأله‌ی پیشگیری از تخریب محیط زیست دریایی در برابر فعالیت‌های مستقر در خشکی در سند نهایی اجلاس ریو موسوم به «دستور کار ۲۱»<sup>۹</sup> انعکاس یافت. فصل هفدهم سند مزبور، در راستای حفاظت از محیط زیست دریایی، بر رویکرد احتیاطی<sup>۱۰</sup> و رویکردی جامع تأکید می‌نماید. بعلاوه فصل هفدهم از دولت‌ها می‌خواهد تا در سطح ملی، و در صورت لزوم در سطح منطقه‌ای، اقدامات لازم را به عمل بیاورند و اصول راهنمای مونترال را مطمح نظر قرار دهند.

در عین حال، دستور کار ۲۱ از شورای حکام UNEP درخواست نمود تا برگزاری نشست بین‌الدولی در مورد حفاظت از محیط زیست دریایی در برابر آلاینده‌های مستقر در خشکی را

عرفی مذکور و عدم الزام دولت‌ها به حفاظت از محیط زیست دریایی توسط این قواعد، باید در جستجوی قواعدی برای تنظیم آلودگی محیط زیست دریایی در سطح معاهده‌ای بود.

<sup>۵</sup> در خصوص تلاش به منظور توسعه سازوکار حقوقی جهانی در این مورد به طور کلی بنگرید به

T.A. Mensah, *The International Legal Regime for the Protection and Preservation of the Marine Environment from Land-based Sources of Pollution*, in: A. Boyle/D. Freestone (eds.), *International Law and Sustainable Development: Past Achievements and Future Challenges*, Oxford 1999, pp. 297-324.

<sup>۶</sup> 1985 Montreal Guidelines for the Protection of the Marine Environment against Pollution from Land-Based Sources.

<sup>۷</sup> Guideline 10

<sup>۸</sup> در این خصوص بنگرید به ضمیمه ۱ اصول راهنمای مونترال

<sup>۹</sup> Agenda 21

<sup>۱۰</sup> Precautionary approach

با عنایت به غیر قابل برگشت بودن خسارات زیست محیطی، به ویژه آلودگی‌های محیط زیست دریایی بهتر است اهمیت بیشتری به مقوله‌ی پیشگیری<sup>۱</sup> از ورود خسارت داده شود.

قاعده‌ی عرفی دیگری که می‌تواند در خصوص تنظیم آلودگی منابع مستقر در خشکی بعنوان یک تحول بدان نگرست، تعهد مربوط به سوء استفاده از حقوق است.<sup>۲</sup> در حقوق بین‌الملل، سوء استفاده از حقوق زمانی مطرح می‌گردد که دولتی حقوقش را به شیوه‌ای اعمال نماید که یا مانع از بهره‌مندی دول دیگر از حقوق خود شده و یا با هدفی به غیر از هدفی که برای آن ایجاد گشته، و به ضرر دولت دیگر مورد استفاده قرار گیرد (Kiss, 1992). اگرچه ماهیت حقوقی دکترین عدم سوءاستفاده از حق محل بحث می‌باشد (Brownlie, 2003)، اما این دکترین در حقوق بین‌الملل دریاهای، به روشنی در ماده ۳۰۰ کنوانسیون حقوق دریاهای مدون گردیده است.<sup>۳</sup> بدین سان می‌توان با توسل به دکترین منع سوءاستفاده از حق در صدد پیشگیری از آلوده‌سازی دریا برآمد و کشورهای عضو کنوانسیون حقوق دریاهای را ملزم به عدم سوءاستفاده از حقوق، صلاحیت‌ها و آزادی‌های خود که می‌تواند نهایتاً از طریق منابع مستقر در خشکی باعث آلوده سازی دریا شود دانست.<sup>۴</sup>

صدمات فرامرزی است. (Pisillo – Mazzeschi, 1992) در نتیجه دولتی که چنین مراقبت مقتضی را اتخاذ نموده باشد از مسئولیت میراست. دوم، این که در آلودگی دریایی ناشی از منابع مستقر در خشکی، مواد، منابع و عوامل متعددی نقش دارند. همچنین ممکن است آلودگی دریایی ناشی از فعالیت‌های بیش از دو کشور در یک منطقه باشد. سوم این که قاعده‌ی منع استفاده‌ی زیانبار از سرزمین، به موجب حقوق مسئولیت بین‌المللی، لزوماً پس از ورود خسارت به سرزمین دولت دیگر مطرح می‌شود.

<sup>۱</sup> prevention

<sup>۲</sup> مثلاً در این مورد بنگرید به:

B. Cheng, *General Principle of Law as Applied by International Courts and Tribunals*, London, Stevens, 1953, pp. 121-136.

<sup>۳</sup> ماده ۳۰۰ کنوانسیون مزبور چنین اشعار می‌دارد: «کشورهای عضو وظایف تعهد شده به موجب این کنوانسیون را با حسن نیت اجرا خواهند کرد و حقوق، صلاحیت و آزادی‌های به رسمیت شناخته شده در این کنوانسیون را به نحوی اعمال خواهند کرد که سوء استفاده از حق نباشد.» بعلاوه باید خاطر نشان ساخت که دکترین سوء استفاده از حق در مواد دیگری از کنوانسیون حقوق دریاهای، از جمله مواد ۱۸۷، ۲۹۴ و ۲۹۷ مورد تصریح قرار گرفته است.

<sup>۴</sup> پرسشی که در این خصوص مطرح می‌گردد چگونگی احراز سوءاستفاده از حق است. آیا در هر شرایطی می‌توان دولتی را به سوء استفاده از حقوق خود متهم نمود؟ در این راستا، برخی از پژوهشگران معتقدند در فقدان یک قاعده‌ی کلی برای تبیین معیار احراز کننده، تنها تصمیمات محاکم بین‌المللی در هر مورد خاص است که می‌تواند راهگشا باشد. (Lauterpacht, 1982) پروفیسور لاتریاچت در این باره معتقد است: انجام چنین اقدامی، در اجتماع بین‌المللی که در آن فرایند تقنینی توسط ارگان‌های معمولی عملاً وجود ندارد، از اهمیت خاصی برخوردار است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که در حال حاضر معیار تعیین سوءاستفاده از حق به طور دقیق در نظام حفاظت از محیط زیست دریایی مشخص نگردیده است. نظر به عدم شفافیت کامل قواعد

کارائیب گرفته تا اقیانوس آرام جنوبی، نظام حقوقی دریایی آنها توسط کنوانسیون‌های منطقه‌ای اجرا و اعمال می‌شود.<sup>۳</sup> در خصوص دریاهای اروپا، تمام دریاهای نیمه‌بسته‌ی موضوع ماده‌ی ۱۲۲ کنوانسیون حقوق دریاهای اروپا، بعنوان نظام مادر و عام، در چارچوب سه کنوانسیون عمده و اصلی منطقه‌ای یعنی، کنوانسیون بارسلونا، کنوانسیون اسپار (OSPAR) و کنوانسیون هلستینکی اجرا می‌شود.<sup>۴</sup> در این بخش سعی می‌شود تحولاتی که در این خصوص پس از کنوانسیون حقوق دریاهای در سطح منطقه‌ای در جهت مقابله با آلودگی‌های مستقر در خشکی رخ داد را به بررسی نهیم.<sup>۵</sup>

#### ۴-۱. کنوانسیون ۱۹۹۲ / اسپار

کنوانسیون اسپار بر غیر قابل مهارترین منبع آلودگی دریایی، یعنی منابع مستقر در خشکی تمرکز ویژه داشته و بر آن است که

<sup>۳</sup> عمده‌ی این اسناد تحت توجهات برنامه‌های دریاهای منطقه‌ای یونپ (برنامه‌ی محیط زیست ملل متحد) پدید آمده‌اند. قابل ملاحظه در لینک: <http://www.unep.org/regionalseas/>

همچنین در ای خصوص، بنگرید به: Elli Louka, op cit, pp. 163-168

<sup>۴</sup> آنچه در همه‌ی این اسناد منطقه‌ای بعنوان عناصری مشترک می‌توان یافت عبارتند از: برخورداری از ساختاری یکسان و مشابه، این اسناد، قاعده‌ی محدوده‌ی صلاحیت را عموماً در خود ندارند؛ و سوم اینکه نظام حقوقی ساخته شده‌ی آنها عموماً محدودتر از نظام مشابه بین‌المللی است و در نهایت، نهادی جهت اجرا، نظارت و تضمین اجرای کنوانسیون پیش‌بینی می‌شود.

<sup>۵</sup> بطور کلی عهدنامه‌های منطقه‌ای در خصوص آلودگی‌های دریایی مستقر در خشکی تا قبل از کنوانسیون حقوق دریاهای اروپا می‌توان به ترتیب ذیل نام برد:

الف - کنوانسیون حفظ محیط زیست شمالی اروپا، منعقد در سال ۱۹۷۴، لازم‌الاجرا در سال ۱۹۷۶؛

ب - کنوانسیون مربوط به پیشگیری از آلودگی دریایی ناشی از منابع مستقر در خشکی (کنوانسیون پاریس)، منعقد در سال ۱۹۷۴، لازم‌الاجرا در سال ۱۹۷۸؛

ج - کنوانسیون مربوط به حفاظت از محیط زیست دریایی منطقه‌ی دریای بالتیک، منعقد در سال ۱۹۷۴، لازم‌الاجرا در سال ۱۹۸۰؛

د - کنوانسیون مربوط به حفاظت از دریای مدیترانه در مقابل آلودگی (کنوانسیون بارسلونا)، منعقد در سال ۱۹۷۶، لازم‌الاجرا در سال ۱۹۷۸؛

ه - کنوانسیون منطقه‌ای کویت برای همکاری در حفاظت محیط زیست دریایی در مقابل آلودگی، منعقد در سال ۱۹۷۸، لازم‌الاجرا در سال ۱۹۷۹؛

و - پروتکل راجع به حفاظت از دریای مدیترانه در مقابل آلودگی ناشی از منابع مستقر در خشکی، منعقد در سال ۱۹۸۰، لازم‌الاجرا در سال ۱۹۸۳؛

ز - کنوانسیون مربوط به همکاری برای حفاظت و بهبود محیط زیست دریایی و ساحلی منطقه‌ی آفریقای غربی و مرکزی، منعقد در سال ۱۹۸۱، لازم‌الاجرا در سال ۱۹۸۴؛

ح - کنوانسیون مربوط به حفاظت از محیط زیست دریایی و ساحلی منطقه‌ی جنوب شرقی اقیانوس آرام، منعقد در سال ۱۹۸۱، لازم‌الاجرا در سال ۱۹۸۶؛ و

ط - کنوانسیون منطقه‌ای برای حفظ محیط زیست دریای سرخ و خلیج عدن، منعقد در سال ۱۹۸۲، لازم‌الاجرا در سال ۱۹۸۵.

<sup>۶</sup> Convention for the Protection of the Marine Environment of the North-East Atlantic (1992 OSPAR Convention), adopted in Paris on 22.09.1992 and into force on 25.03.1998.

در دستور کار خود قرار دهد. کنفرانس مزبور در سال ۱۹۹۵ در واشنگتن برگزار شد و دستاورد آن تصویب دو سند بود: اعلامیه-ی واشنگتن در مورد حفاظت از محیط زیست دریایی در برابر فعالیت‌های مستقر در خشکی (اعلامیه واشنگتن ۱۹۹۵)، و برنامه اقدام جهانی برای حفاظت از محیط زیست دریایی در برابر فعالیت‌های مستقر در خشکی (موسوم به "GPA 1995").

در واقع، برنامه اقدام جهانی ۱۹۹۵ را باید یکی از مهم‌ترین اسناد حقوق نرم در زمینه‌ی مقابله با آلودگی مستقر در خشکی پس از سال ۱۹۸۲ قلمداد نمود. این برنامه در صدد است تا با محقق نمودن وظیفه‌ی دولت‌ها به حفاظت از محیط زیست دریایی، از این محیط در برابر آلاینده‌های مستقر در خشکی صیانت نماید.

#### ۴. تحول نظام منطقه‌ای حفاظت از محیط زیست دریایی در مقابل آلاینده‌های مستقر در خشکی

افزون بر اقداماتی که سیمایی کلی و جهانی داشت، عواملی چون وضعیت‌های خاص مناطق دریایی در نقاط مختلف و حفاظت جزئی و دقیق از مناطق ویژه سبب شد که به‌خصوص در باب حفاظت از زیست دریایی کنوانسیون‌های متعدد بین‌المللی در سطح منطقه‌ای منعقد گردد. در سال ۱۹۸۲ که کنوانسیون حقوق دریاهای تصویب شد، حقوق بین‌الملل محیط زیست نسبتاً توسعه یافته بود.<sup>۱</sup> اما از یک طرف، پیشرفت سریع علوم و فناوری و عدم دسترسی همه‌ی دول به این امکانات، ضعف حقوق سنتی دریاهای را به دنبال داشت که قادر به حل مسائل ناشی از این پیشرفت نبود (مدنی، ۱۳۹۲) و از دیگر سو، تخریب رو به تزايد محیط زیست و از جمله دریاهای و اقیانوس‌ها، کاستی‌های بیش از حد رویکردهای سنتی را به حفاظت از محیط زیست هویدا ساخت.<sup>۲</sup>

در اسناد عمده‌ای از جمله، کنوانسیون حقوق دریاهای فصل ۱۷ دستور کار ۲۱، تأکیدات بسیاری بر همکاری منطقه‌ای شده است که همه‌ی این اسناد جهانی اذعان دارند که کارآمدترین طریقه برای حفاظت از محیط زیست، توسعه‌ی سازوکارهای منطقه‌ای است. علاوه بر این، در همه‌ی دریاهای مهم منطقه‌ای، از

<sup>۱</sup> G. Bruntland (ed.), Our Common Future, World Commission on Environment and Development, 1987, p. 28.

<sup>۲</sup> The GESAMP Report on the state of the oceans No. 39 (1990), published on the eve of the UNCED

صادره از جانب دول متعاقد در خصوص انتشار چنین موادی، تحت کنترل کمیسیون اسپار خواهد بود.

یکی دیگر از جوانب حایز اهمیت اسناد محیط زیستی، برخورد آنها به مقوله‌ی «اصل یا رویکرد احتیاطی»<sup>۳</sup> است. اصل یا رویکرد احتیاطی به‌عنوان یک تعهد حقوقی در بسیاری موافقت-نامه‌های منطقه‌ای مرتبط با آلودگی ناشی از منابع مستقر در خشکی برجسته شده است (Tanaka, 2006). که کنوانسیون اسپار نیز به اصل مزبور نظر ویژه داشته است که نمونه‌ی آن را در شق نخست بند دوم ماده‌ی ۲ آن می‌توان دید. عبارت‌بندی‌های این کنوانسیون، برخلاف بسیاری کنوانسیون‌های دیگر، تعهدی ایجابی را برای دولت‌ها مقرر ساخته و آنها را ملزم می‌کند که هنگامی که نشانه‌های معقولی از آسیب و خطر وجود داشته باشد، اقدامات پیشگیرانه معمول بدانند (De la Fayette, 1999) همه‌ی این یافته‌ها مواردی بودند که پس از ۱۹۸۲ پدید آمدند.

#### ۴-۲. کنوانسیون هلسنیکی<sup>۴</sup>

به‌نظر می‌آید، مهمترین ارمانی که اسناد ظهور یافته پس از کنوانسیون حقوق دریاها به دنبال داشت، ارائه‌ی فهرستی روشن و واضح از مواد مضر و آلاینده بود؛ ره‌آوردی که در اسناد پیشین به نیکی میسر نشد (Pallemarts, 1998).

کنوانسیون ۱۹۹۲ هلسنیکی که جایگزین کنوانسیون ۱۹۷۴ گردید، نیز در تکاپوی تبیین موارد آلودگی مستقر در خشکی بوده و در بند دوم ماده‌ی ۲ اینگونه بیان می‌دارد: «آلودگی ناشی از آلاینده‌های مستقر در خشکی یعنی آلودگی دریا بوسیله‌ی منشاء آلودگی یا پراکنده از هر منبع مستقر در خشکی که از طریق آب یا هوا یا مستقیماً از راه ساحل به دریا برسد که شامل آلودگی ناشی از هرگونه تخلیه‌ی زوائد در زیر بستر دریا بوسیله‌ی تونل، خطوط لوله یا دیگر وسایل که از زمین صورت گیرد، خواهد

آلودگی‌های ناشی از این منابع را با تشویق به کاربرد بهترین تکنولوژی و رویه‌های موجود محو نماید. (Louka, 2006)

آنچه در عهدنامه‌ی حقوق دریاها به چشم نمی‌خورد و در کنوانسیون‌هایی که ذکر خواهند شد وجود دارد، این است که در اسناد اخیر، آب‌های داخلی نیز تحت پوشش قرار گرفته است.<sup>۱</sup> در واقع برای این کنوانسیون‌ها مبرهن شده است که بدون تنظیم مقررات در خصوص آلودگی‌های داخلی، سخن در خصوص جلوگیری آلودگی‌های با منشأ خشکی نیز قدری گزاف می‌نماید (Magron, 1999).

طبق بند پنجم ماده‌ی اول این کنوانسیون، منابع مستقر در خشکی اینگونه تعریف شده است که: «منابع مستقر در خشکی به معنی وجود و انتشار منابع، مواد یا انرژی در خشکی است که از طریق آب، هوا و یا مستقیماً از راه ساحل به آبهای دریایی برسد. همچنین، شامل منابع مرتبط با هرگونه تخلیه‌ی مواد مضر در بستر دریا که از خشکی نشأت گرفته و از راه تونل یا خطوط لوله یا دیگر وسایل به دریا وارد شود و همچنین منابعی که در رابطه با مصنوعات دست بشری و نه به منظور فعالیت‌های دریایی وارد مناطق دریایی تحت صلاحیت طرف‌های متعاقد شود».<sup>۲</sup>

در ادامه، در ماده‌ی ۳، این کنوانسیون همه‌ی طرف‌های متعاقد را متعهد کرده است که به‌طور انفرادی یا مشترک، هرگونه اقدام ممکن را به منظور پیشگیری و محو آلودگی‌های ناشی از منابع مستقر در خشکی تحت مقررات کنوانسیون و بالأخص، ضمیمه‌ی نخست آن، مبذول بدانند.

از سویی دیگر، بند اول ماده‌ی دو ضمیمه‌ی نخست این کنوانسیون مقرر می‌دارد که: «منبع آلاینده‌ای که به نواحی دریایی تخلیه شده و در آب یا هوا رها شده که می‌تواند به مناطق دریایی رسیده یا آن را متأثر سازد، موضوع محدودیت مقررات مقامات صالح طرف‌های متعاقد قرار خواهند گرفت». بند اول ماده‌ی ۲ این ضمیمه نیز می‌گوید که این مقررات به‌طور خاص در جهت تصمیمات کمیسیون اسپار که برای دولت‌های متعاقد الزامی است اجرا خواهد شد. بنابراین، به‌طور قابل توجهی، مجوز یا مقررات

<sup>۳</sup> از آنرو اصطلاح احتیاطی را با هر دو واژه‌ی «اصل» و «رویکرد» آوردیم که نه در حقوق بین‌الملل معاهده‌ای و نه حقوق بین‌الملل عرفی و نه در دکترین بر سر ماهیت آن توافق عام وجود ندارد. جهت مطالعه‌ی بیشتر، بنگرید به:

Malgosia Fitzmaurice, Contemporary Issues in International Environmental Law, Edward Elgar Publishing, USA, 2009, pp. 1-10

<sup>۴</sup> Convention on the Protection of the Marine Environment of the Baltic Sea Area (Helsinki Convention), 9.04.1992, into force on 17.01.2000 replacing the 1974 Convention. The 1992 Helsinki Convention has 10 contracting parties, i.e., Denmark, Germany, Sweden, Estonia, Finland, Latvia, Lithuania, Poland, Russia and the EU. See:

<http://helcom.fi/about-us/contracting-parties/> (last visited in: 15/02/2014)

<sup>۱</sup> Article 3 of the 1980 Athens Protocol; Article 1 of the 1983 Quito Protocol; Article 2 of the 1990 Kuwait Protocol; Article 1 (a) of the OSPAR Convention; Article 1 of the Helsinki Convention; Article 3 of the 1992 Bucharest Protocol; Article 3 (c) of the 1996 Syracuse Protocol.

<sup>۲</sup> تبیین مواد مضر، گام نخست در جهت تنظیم آلودگی‌های مستقر در خشکی است. هرچند به زعم برخی از نویسندگان اکثر کنوانسیون‌های مشابه در خصوص تبیین آلودگی‌های مستقر در خشکی همواره فهرستی مبهم ارائه داده‌اند، اما می‌توان از مجموعه‌ی آنها معیار متحدالشکلی را به دست داد.

شد. همچنین ضمیمه‌ی اول الحاقی به آن نیز اختصاص به تعریف مواد مضر دارد.

آنگاه، پس از تعریف فوق، دولت‌های متعاقد را ملزم می‌کند تا به منظور پیشگیری و رفع آلودگی منطقه‌ی دریای بالتیک از منابع آلاینده‌ی مستقر در خشکی با استفاده از بهترین روش‌های زیست محیطی و بهترین فن‌آوری موجود برای کلیه‌ی منابع اقدام کنند.<sup>۱</sup> همچنین، ماده‌ی ۵ آن، طرف‌های متعاقد را ملزم به اتخاذ اقداماتی به منظور امحاء کلیه‌ی آلودگی‌های ناشی از هرگونه منبعی و با توجه به مقررات ضمیمه‌ی نخست ساخته است. بند دوم ماده‌ی ۶ نیز تعهدی به همکاری را میان دولت‌ها در راستای اقدامات مقرر در ضمیمه‌ی سوم این کنوانسیون و به منظور توسعه و اتخاذ برنامه‌ها، راهکارها، استانداردها یا مقررات خاص مرتبط با پیشگیری از ورود مواد مضر مقرر ساخته است. در ادامه نیز مقرر می‌دارد که مواد مضر ناشی از منبع اصلی به جز در مقادیر ناچیز، که مستقیم یا غیرمستقیم به محیط دریایی بالتیک وارد شده باشد، باید به‌طور دوره‌ای توسط مقامات مجاز داخلی با توجه به اصول مقرر در ضمیمه‌ی سوم بررسی شوند. طرفین متعاقد تضمین خواهند نمود که انتشارهای تجویز شده به آب و هوا نظارت و کنترل می‌شوند.

در نتیجه این‌گونه به نظر می‌رسد که به موجب کنوانسیون هلسینکی، تخلیه‌ی مواد مضر با مجوز خاص قبلی امکان دارد. علاوه بر این، در صورت درخواست یکی از طرف‌های متعاقد یا کمیسیون هلسینکی، طرف دیگر متعاقد باید اطلاعاتی در خصوص مجوز تخلیه، اطلاعات انتشار یا در خصوص وضعیت محیط زیست طبق بند دوم ماده‌ی ۱۶ ارائه دهد. در نتیجه به نظر می‌آید که اختیار طرف‌های متعاقد در این خصوص محدودتر از قبل است.

در خصوص اصل احتیاطی نیز این کنوانسیون به نسبت کنوانسیون اسپار، به‌طور وسیع تری این اصل را اعمال کرده است (Ebbesson, 2000) و صریحاً در بند دوم ماده‌ی ۳ طرف‌های متعاقد را به اعمال «اصل احتیاطی» متعهد می‌کند و دولت‌ها موظف هستند این اصل را به مقررات مربوط به آلاینده‌های مستقر در خشکی نیز تسری دهند (Tanaka, 2006). و در نهایت باید خاطر نشان ساخت که کنوانسیون هلسینکی در مقایسه با

کنوانسیون اسپار، به‌طور وسیع تری اصل احتیاطی را اعمال کرده است (Ebbesson, 2000).

به‌طور کلی، به نظر می‌رسد که رویکردی متحدالشکل در راستای توسعه‌ی حقوق بین‌الملل محیط زیست دریایی وجود دارد. هرچند کنوانسیون حقوق دریاها در خصوص حفاظت از محیط زیست دریایی تعهدی کلی و عام را در ماده‌ی ۱۹۲ به بعد بیان می‌دارد، اما به‌طور سنتی، دولت‌ها منفعت خود را در داشتن اختیار در تعیین نوع و محدوده‌ی تکلیفی که در جهت حفظ محیط زیست داشته‌اند، می‌دیدند و این تنها حقوق مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها بوده است که برخی حمایت‌های کلی را در حقوق سنتی دریاها موجب شده است (Tanaka, 2006). در این نقطه است که می‌توان گفت که الگوی حقوقی از «اصل آزادی آلودگی» به «تعهدی برای پیشگیری از آلودگی» تغییر کرده است (Boyle, 1985).

#### ۳-۴. کنوانسیون حفاظت از محیط زیست دریایی و مناطق ساحلی مدیترانه (کنوانسیون بارسلونا)<sup>۲</sup>

در سال ۱۹۷۶، شانزده کشور حوزه‌ی دریای مدیترانه به همراه جامعه‌ی اروپا، اقدام به تصویب «کنوانسیون مربوط به حفاظت از دریای مدیترانه در مقابل آلودگی»<sup>۳</sup> نمودند. هفت پروتکل به آن ضمیمه شد؛ از جمله پروتکل راجع به منابع و فعالیت‌های آلوده ساز مستقر در خشکی. این کنوانسیون در سال ۱۹۹۵ بازنگری و اصلاح شد و نام آن نیز به «کنوانسیون حفاظت از محیط زیست دریایی و مناطق ساحلی مدیترانه» تغییر یافت. در خصوص منابع آلاینده‌ی مستقر در خشکی، ماده‌ی ۸ اصلاحی، به گونه‌ای کامل-تر از متن سابق آن، مقرراتی در این خصوص بیان داشته است.<sup>۴</sup> در این راه، اقدامات مذکور در رابطه با آلودگی‌های ناشی از منابع مستقر در خشکی که در سرزمین طرف‌های متعاقد ایجاد شده باشد و وارد دریا شده باشد اعمال خواهد شد.

<sup>۲</sup> Convention for the protection of the marine environment and the coastal region of the Mediterranean, 9-10.06.1995, entered into force on 9.07.2004.

<sup>۳</sup> Convention for the Protection of the Mediterranean Sea Against Pollution (Barcelona Convention)

<sup>۴</sup> بنا بر این ماده: «طرف‌های متعاقد، هرگونه اقدام لازم را به منظور پیشگیری، کاهش و مبارزه و تا حد ممکن، محو آلودگی ناحیه‌ی دریای مدیترانه و طراحی و اجرای برنامه‌هایی برای کاهش و خارج نمودن موادی که سمی، پایدار و مؤثر هستند و از منابع مستقر در خشکی نشأت گرفته‌اند، را انجام خواهند داد».

<sup>۱</sup> ماده‌ی ۶ کنوانسیون ۱۹۹۲ هلسینکی



کنوانسیون کویت یا راپمی در سال ۱۹۷۸ نمودند<sup>۴</sup> که به موجب آن خصوصیات ویژه‌ی اکولوژیکی خلیج فارس و قابلیت آسیب-پذیری منحصر بفرد آن در مقابل آلودگی مورد توجه قرار گرفت. (Turgut, 1992)<sup>۵</sup> طرف‌های کنوانسیون کویت در سال ۱۹۹۰ پروتکلی را به تصویب دول عضو رساندند که به آلودگی‌های مستقر در خشکی منحصر می‌شد. به موجب این پروتکل، مقصود از «منابع مستقر در خشکی» منابع شهری، صنعتی یا کشاورزی، اعم از ثابت و متحرک بر روی زمین است که مواد تخلیه شده از آنها به شرح مذکور در ماده ۳ پروتکل به محیط زیست دریایی می‌رسد.<sup>۶</sup> این پروتکل، شامل مقرراتی در خصوص ارزیابی پیامدهای زیست‌محیطی (ماده ۸)، همکاری (ماده ۳) و کمک‌های علمی و فنی (ماده ۱۰)<sup>۷</sup> و تبادل اطلاعات (ماده ۱۲) است که در مجموع به نسبت برخی کنوانسیون‌ها دقیق‌تر و مفصل‌تر است اما در بند آتی خواهیم دید که به حد پروتکل کنوانسیون کارتاگنا مقررات اجرایی و مؤثری را که به نحوی محسوس به کاهش آلودگی‌های با منبع خشکی انجامد، در خود ندارد.

#### ۴-۵. کنوانسیون و پروتکل کارتاگنا

کنوانسیون کارتاگنا یا کنوانسیون حفاظت و توسعه‌ی محیط زیست دریایی منطقه‌ی کارائیب،<sup>۸</sup> در ماده ۷ به مسأله‌ی آلاینده-های مستقر در خشکی می‌پردازد، اما به این حد اکتفا می‌کند که

<sup>۴</sup> Kuwait Regional Convention for Cooperation on the Protection of the Marine Environment from Pollution, The Convention which was signed on 24 April 1978, entered into force on 1 July 1979. See: <http://ropme.org/Legal%20Instruments.clx>

<sup>۵</sup> جهت مطالعه‌ی مبسوط و ملاحظه‌ی خصوصیات ویژه‌ی خلیج فارس، بنگرید به:

- زهرا پیشگاهی فرد و همکاران، پیامدهای زیست‌محیطی و حقوقی ساخت جزایر مصنوعی در خلیج فارس، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۷۹، بهار ۱۳۹۱، صص ۱۴۰ - ۱۱۷.

- پروین فرشچی و همکاران، بررسی ابعاد حقوقی آلودگی‌های نفتی در منطقه خلیج فارس و دریای عمان (از دیدگاه حقوق بین‌الملل)، علوم و تکنولوژی محیط زیست، دوره نهم، شماره چهارم، زمستان ۸۶، صص. ۸۵ - ۷۵.

- دکتر حیدر لطفی و همکاران، محیط زیست خلیج فارس و حفاظت از آن، فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیای انسانی، سال سوم، شماره اول، زمستان ۱۳۸۹، صص. ۹ - ۱

<sup>۶</sup> بند هشتم ماده ۱.

<sup>۷</sup> باید اذعان داشت که توسعه‌ی ابزارهای علمی و فنی بیش از هر عاملی به حفاظت از محیط زیست کمک خواهد کرد، چرا که « دو مقوله‌ی تحقیقات علمی دریایی و حفاظت از محیط

زیست دریایی دارای برهم کنش و تاثیر و تاتر بر ابعاد علمی و نظری یکدیگرند.» (مدنی، ۱۳۹۱)

<sup>۸</sup> The Convention for the Protection and Development of the Marine Environment of the Wider Caribbean Region, The Cartagena Convention was adopted in Cartagena, Colombia on 24 March 1983 and entered into force on 11 October 1986. See: <http://www.cep.unep.org/cartagena-convention>

این کنوانسیون هم آلاینده‌هایی را که به‌طور مستقیم در دریا و ساحل دفع یا تخلیه شده‌اند را مدنظر دارد و هم موادی که از طریق رودخانه‌ها، کانال‌ها یا دیگر آبراه‌ها از جمله کانال‌های زیرزمینی به دریا رسیده باشد. همچنین آلاینده‌هایی را که ناشی از منابع مستقر در خشکی بوده و از طریق جو به دریا منتقل شده باشد (بندهای الف و ب ماده ۸). هیچ‌کدام از این موارد در متن اولیه‌ی کنوانسیون بارسلونا وجود نداشت.<sup>۱</sup>

یکی از پروتکل‌های این کنوانسیون - که به نام پروتکل سیراکیوز شناخته می‌شود - نیز که در تاریخ ۱۹۹۶ و به دنبال اصلاح خود کنوانسیون اصلاح گردید، به محافظت دریایی مدیترانه از آلودگی ناشی از منابع و فعالیت‌های مستقر در خشکی اختصاص دارد.<sup>۲</sup> به رغم اکتفا به اشاره‌ای مختصر به اصل احتیاطی در مقدمه، در مجموع، به نظر می‌آید که این پروتکل توانسته است در خصوص آلاینده‌های مستقر در خشکی به نسبت خود کنوانسیون و همچنین اسناد مشابه پیشین، شفافیت بیشتری داشته باشد و مواد نسبتاً جزئی نگر و خاص آن توانسته است تا حد زیادی به اهداف خالقان آن جامعه‌ی عمل بپوشاند.

#### ۴-۴. پروتکل کنوانسیون کویت راجع به حمایت از محیط زیست دریایی در برابر منابع آلودگی مستقر در خشکی<sup>۳</sup>

کشورهای ساحلی خلیج فارس پس از اینکه خلیج فارس از سوی یونپ بعنوان منطقه‌ی ویژه شناخته شد، (ممتاز، ۱۳۶۸) به منظور بهبود و حفظ محیط زیست این منطقه اقدام به انعقاد

<sup>۱</sup> The pdf text of amendments to the convention is available at: [http://195.97.36.231/dbases/webdocs/BCP/BC95amendments\\_Eng.pdf](http://195.97.36.231/dbases/webdocs/BCP/BC95amendments_Eng.pdf)  
<sup>۲</sup> The 1996 Protocol for the Protection of the Mediterranean Sea against Pollution from Land-Based Sources and Activities (the 1996 Syracuse Protocol).

این پروتکل در مورد موارد ذیل اعمال می‌شود: الف) تخلیه‌ی منتج از منابع منشأ و پراکنده‌ی مستقر در خشکی و فعالیت‌هایی که مستقیماً یا غیر مستقیم محیط مدیترانه را متأثر ساخته است، از طریق تخلیه‌ی ساحلی، رودخانه‌ها، دهانه‌های خروجی، کانال‌ها یا دیگر آبراه‌ها و از جمله آبهای زیر زمینی و یا تخلیه در زیر بستر دریاها؛ ب) ورود مواد آلاینده مستقر در خشکی که توسط اتمسفر به دریای مدیترانه منتقل شده باشد؛ ج) تخلیه‌ی زواید آلاینده‌ی مصنوعات ثابت بشری در دریا. (ماده ۴ پروتکل) در ماده ۵ نیز دولت‌های متعاقد را ملزم به انجام تعهدات خود به موجب این پروتکل ساخته است. علاوه بر این، نظارت‌ها و همچنین همکاری‌های فنی و علمی بین اعضا را پیش‌بینی کرده است.

<sup>۳</sup> Protocol to the Kuwait Regional Convention for the Protection of the Marine Environment against Pollution from Land-Based Sources, adopted on 21 February 1990 and Entered into force on 2 January 1993. The text is available at: [http://www2.unitar.org/cwm/publications/cbl/synergy/pdf/cat3/UNEP\\_regional\\_seas/convention\\_kuwait/Protocols/protocol\\_prot\\_marine\\_env\\_aga\\_inst.pdf](http://www2.unitar.org/cwm/publications/cbl/synergy/pdf/cat3/UNEP_regional_seas/convention_kuwait/Protocols/protocol_prot_marine_env_aga_inst.pdf)

متناسب را نیز به رسمیت شناخته است. اما کنوانسیون و پروتکل کارتاگنا نیز به مانند پروتکل کویت به اصل احتیاطی چندان توجهی نشان نداده و در خصوص آن سکوت نموده است.

## ۵. نتیجه‌گیری

در خصوص مبارزه جامعه‌ی بین‌المللی با آلودگی‌های دریایی ناشی از منابع و فعالیت‌های مستقر در خشکی، دولت‌ها جای خالی سازوکارهای بین‌المللی را خیلی زود حس کردند و گذشته از توسعه‌ای نسبی که حقوق بین‌الملل عام (نظیر عرف و اصول کلی حقوقی) برای حقوق بین‌الملل محیط زیست به ارمغان آورده بود، حاصل عملی تکاپوی جامعه‌ی بین‌المللی در شکل معاهدات بین‌المللی جهانی و منطقه‌ای تجسم یافت که کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها از حیث جهانشمولی، در رأس آن قرار می‌گیرد. سندی که آن را به قانون اساسی دریاها تعبیر نموده اند.

ملاحظه گردید که کنوانسیون حقوق دریاها در مقام مقابله با معضل آلودگی‌های ناشی از خشکی به پیش‌بینی مقرراتی عام و کلی بسنده نموده است و بدین سبب، نتوانسته است خود را با روند رو به تزاید گونه‌ها و مقادیر منابع آلاینده‌ی مستقر در خشکی وفق دهد و در نتیجه مانعی برای آن گردد. در این مرحله است که در پی توصیه‌های جهانی به ایجاد سازوکارهای منطقه‌ای و پیرو ضرورتی که در حیطه‌ی دریاها منطقه‌ای احساس می‌شده و در نهایت به‌علت کارآمدی بیشتر اسناد و قواعد منطقه‌ای، کنوانسیون‌های منطقه‌ای به یاری کنوانسیون حقوق دریاها شتافته و دست به اقداماتی جدی علیه آلاینده‌های مستقر در خشکی زدند که در قالب ثمراتی محسوس و بسیار متعالی به بار نشستند که به مراتب مترقیانه و دقیق‌تر از کنوانسیون حقوق دریاها و دیگر هم‌رده‌های پیشین خود بوده‌اند. سیر تحولی که این اسناد منطقه‌ای پس از سال ۱۹۸۲ به خود دیدند موضوع بررسی این نوشتار بود، که مشاهده گردید این اسناد از جهت معرفی دقیق‌تر و شفاف‌تر آلودگی‌ها، منابع آن، طرق اجرای مقررات و مقابله با آلودگی و تبیین راهکارهای متناسب گام‌هایی بسیار مؤثرتر و بدیع‌تر از کنوانسیون ۱۹۸۲ برداشته‌اند.

در نقطه‌ی مقابل اسناد متعددی که بویژه در سطح منطقه‌ای به وجود آمدند، رفتار همچنان طبیعت ستیز اعضای جامعه‌ی بین‌المللی که قدری ناهمسو با اهداف و اصول اسناد خودساخته و مترقی خود می‌نمایند، موجب شد تا میان مفاد آن اسناد و اعمال

دولت متعاقد باید اقدامات لازم را به منظور پیشگیری، کاهش و کنترل آلودگی ناشی از دفع مواد در ساحل، تخلیه از طریق رودخانه‌ها، مصب‌ها، تأسیسات ساحلی یا دیگر منابع به عمل آورند.<sup>۱</sup>

کنوانسیون حاضر نیز نتوانسته است فهرستی دقیق و کامل از منابع آلوده‌ساز مستقر در خشکی و راه‌های مقابله با آن ارائه دهد و به استقرار یک تعهد کلی بسنده کرده است. این کنوانسیون، پروتکلی در خصوص آلودگی‌های ناشی از منشاء خشکی نیز دارد.<sup>۲</sup> در ماده‌ی ۱ آن، منابع و فعالیت‌های مستقر در خشکی مشخص شده است که بنا بر آن، این منابع و فعالیت‌ها عبارتند از: آن دسته منابع و فعالیت‌های آلاینده‌ای که از دفع مواد در ساحل، یا از تخلیه-هایی که از راه رودخانه‌ها، مصب رودخانه‌ها، تأسیسات ساحلی، سازه‌های دریایی و دیگر طرق پدید آیند یا از راه هوا منتقل شوند.<sup>۳</sup>

در خصوص تعهد پدید آمده برای دولت‌ها نیز این پروتکل نسبت به کنوانسیون مفصل‌تر بوده و به سان دیگر کنوانسیون‌های آن مقطع زمانی، به ایجاد تعهداتی مبنی بر اتخاذ اقدامات مناسب، بهبود و اجرای برنامه‌ها و اقدامات، استفاده از متناسب‌ترین تکنولوژی و مدیریت روش‌های بهره‌برداری به منظور کاهش آلودگی و امحاء آن پرداخته است.<sup>۴</sup> در این راستا، همه‌ی دول عضو برای نیل به این مقاصد، با یکدیگر همکاری و مساعدت مینمایند (ماده‌ی ۵) که همراه با نظارت و کنترل، اقدامات آنها ساماندهی می‌شود (ماده‌ی ۶). علاوه بر این موارد، موادی نیز در خصوص ارزیابی پیامدهای زیست محیطی (ماده‌ی ۷)، توسعه‌ی سیستم اطلاعاتی (ماده‌ی ۸)، مبارزه با آلودگی‌های فرامرزی (ماده‌ی ۹) و علی‌الخصوص، توسعه‌ی آموزش‌های زیست محیطی و ارتقای سطح آگاهی عموم مردم (ماده‌ی ۱۱) در این پروتکل پیش‌بینی شده است.

در مجموع، در مقایسه با دیگر کنوانسیون‌ها، پروتکل مزبور را می‌توان حاوی مقرراتی تفصیلی و مشخص دانست که ضمن ارائه‌ی فهرستی دقیق‌تر از اسناد پیشین، اقدامات اجرایی کافی و

<sup>۱</sup> Text of the Cartagena Convention is available at: <http://www.cep.unep.org/cartagena-convention/text-of-the-cartagena-convention>

<sup>۲</sup> Protocol Concerning Pollution from Land-Based Sources and Activities on the Convention for the Protection and Development of the Marine Environment of the Wider Caribbean Region. The Protocol was adopted on 6 October 1999 and entered into force on 13 August 2010.

<sup>۳</sup> بند ۴ ماده‌ی اول پروتکل

<sup>۴</sup> ماده‌ی سوم

صفحات ۹ - ۱.

مدنی، س.، ۱۳۹۱، محورهای ارتباطی میان تحقیقات علمی دریایی و مقوله حفاظت از محیط زیست دریایی: یک واکاوی حقوقی بین‌المللی، نشریه‌ی اقیانوس‌شناسی، سال سوم، شماره ۱۱، صفحات ۹۹ - ۹۱.

مدنی، س.، ۱۳۹۲، پیامدهای رژیم حقوقی تحقیقات علمی دریایی در کنوانسیون ۱۹۸۲ ملل متحد حقوق دریاها بر علوم دریایی، نشریه‌ی اقیانوس‌شناسی، سال چهارم، شماره ۱۳، صفحات ۷۲ - ۶۱.

ممتاز، ج.، ۱۳۶۸، حمایت و توسعه‌ی محیط زیست دریایی خلیج فارس و دریای عمان، مجله‌ی حقوقی، شماره ۱۱، صفحات ۳۰ - ۵.

1985 Montreal Guidelines for the Protection of the Marine Environment against Pollution from Land-Based Sources.

Boyle, A.E., 1985. Marine pollution under the law of the sea convention, American Journal of International Law, 79: 348-349.

Boyle, A.E., 1990. the law of the sea and international watercourses: An Emerging Cycle, Marine Policy, Vol. 14: 154-158.

Brownlie, I., 2003. Principles of public international law, 6th ed., Oxford press, 429-430 pp.

Bruntland, G., 1987. Our common future, report of world commission on environment and development, 28-29 pp.

Cheng, B., 1953. General principle of law as applied by international courts and tribunals, London, Stevens, 121-136 pp.

De la Fayette, L., 1999. The OSPAR convention comes into force: Continuity and Progress, International Journal of Marine and Coastal Law, 14: 254.

Ebbesson, J., 2000. A critical assessment of the 1992 Baltic sea convention, german yearbook of International Law, 43: 38-64.

Environmental Protection Agency. "Liquid Assets 2000: Americans Pay for Dirty Water". Retrieved 2007-01-23.

Fitzmaurice, M., 2009. Contemporary issues in

متاهدان آنها فاصله‌ای بس بعید پدید آید. مقوله‌ی عیوب رفتاری اعضای جامعه بین‌المللی در خصوص مقررات زیست-محیطی و اجرای مفاد اسناد زیست محیطی بین‌المللی<sup>۱</sup> هرچند قدری جدای از موضوع و هدف این مقاله بوده و بررسی آن در ظرف این نوشتار نگنجید، اما این را به ذهن متبادر می‌کند که این علل، عمده‌ترین دلیل ناکامی اسناد متعدد محیط زیستی در ادای رسالت خود بوده است که بر هر روی این مساله می‌تواند موضوع نوشتاری جداگانه باشد.

## منابع

برنامه‌ی محیط زیست ملل متحد، ۱۳۹۳. حمایت از محیط زیست در مخاصمات مسلحانه از منظر حقوق بین‌الملل، ترجمه‌ی سید علی حسینی آزاد و مهرداد محمدی، مؤسسه‌ی مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، چاپ اول، تهران.

پیشگاهی فرد، ز. و همکاران، ۱۳۹۱. پیامدهای زیست‌محیطی و حقوقی ساخت جزایر مصنوعی در خلیج فارس، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره‌ی ۷۹، صفحات ۱۴۰ - ۱۱۷.

چیکایا، ب.، ۱۳۸۷. چکیده‌ی رویه‌ی قضایی در حقوق بین‌الملل عمومی، ترجمه‌ی دکتر همایون حبیبی، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.

عباسی اشلقی، م.، ۱۳۹۰. ساخت جزایر مصنوعی در خلیج فارس از منظر حقوق بین‌الملل محیط زیست، فصلنامه‌ی راهبرد، سال بیستم، شماره‌ی ۵۸، صفحات ۶۴ - ۴۷.

فرشچی، پ.، ۱۳۸۶. بررسی ابعاد حقوقی آلودگی‌های نفتی در منطقه خلیج فارس و دریای عمان (از دیدگاه حقوق بین‌الملل)، علوم و تکنولوژی محیط زیست، دوره نهم، شماره چهارم، صفحات ۸۵ - ۷۵.

قاسم‌زاده، ف.، ۱۳۹۱، مطالعه‌ی آلاینده‌ی و اثرات زیست‌محیطی فلزات سنگین و ارتباط بین پراکنش این عناصر با منغیرهای فیزیکی و شیمیایی در رسوبات فلات قاره‌ی دریای عمان، ناحیه‌ی چابهار، نشریه‌ی اقیانوس‌شناسی، سال سوم، شماره ۱۰، صفحات ۳۵ - ۲۷.

لطفی، ح.، ۱۳۸۹. محیط زیست خلیج فارس و حفاظت از آن، فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیای انسانی، سال سوم، شماره اول،

<sup>۱</sup> به طوریکه برخی را اعتقاد بر این است در این زمینه تعدد و تکرار اسناد و سازوکارهای بین‌المللی کافی است و این مشکلات اجرایی است که مانعی بر سر تحقق اهداف زیست محیطی گشته است.

- Challenges, Oxford press, 297-324 pp.
- Niazi, A., 2013. Artificial islands in Persian Gulf in conventions on laws of seas and Kuwait Convention, *Global Journal of Science, Engineering and Technology*, 5: 23-31 pp.
- Pallemaerts, M., 1998. The North sea and Baltic sea land-based sources regimes: reducing toxics or rehashing rhetoric?, *International Journal of Marine and Coastal Law*, 13: 438-439.
- Pisillo – Mazzeschi, R., 1992. the Due diligence rule and the nature of the international responsibility of states, *German Yearbook of International Law*, 9-51 pp.
- Stephens, T., 2009, *International courts and environmental protection*, cambridge university press, New York, 229 p.
- Tanaka, Y., 2006. Regulation of land-based marine pollution in international law: A comparative analysis between global and regional legal frameworks, *ZaöRV* 66: 535-574.
- The GESAMP Report on the state of the oceans No. 39 (1990), published on the eve of the UNCED.
- Turgut, N., 1991 – 1992. Environmental legal protection and the Persian Gulf, *Journal of Ankara University Faculty of Law*, Volume 42, Issue 1-4, 81-93 pp.
- Wettstad Jorgen, 1992. the "effectiveness" of the Paris convention on marine pollution from land-based sources, *International environmental affairs*. 4(2): 101-121 pp.
- Yankov, A., 1999. The law of the sea convention and agenda 21: Marine environmental implications, in: A. Boyle/D. Freestone (eds.), *international law and sustainable development: Past Achievements and Future Challenges*, Oxford press, 280 p.
- international environmental law, Edward Elgar Publishing, USA, 1-10 pp.
- GESAMP, "The State of the Marine Environment", Report No.115, 1990.
- Joint Group of Experts on Scientific Aspects of Marine Environmental Protection (GESAMP), Report No. 70, "A Sea of Troubles" (15.01.2001)
- Juda, L., 1996, *International law and ocean use management: The evolution of ocean governance*, London, Routledge, 103 p.
- Kiss, A.C., 1992. Abuse of Rights, in: Rudolf, Bernhardt (ed.), *Encyclopedia of Public International Law*, vol. 1, Amsterdam, Elsevier Science Publishers B.V. 4-5 pp.
- Lauterpacht, H., 1982. the Development of international law by the international court, Cambridge University press, 162-163 pp.
- Louka, E., 2006. *International environmental law fairness; effectiveness and world order*, Cambridge University Press, New York, 163-168 pp.
- Magrone, E.M., 1999. The Protection of the Mediterranean Sea against pollution caused by land-based sources and activities, in: S. Marchision/G. Tamburelli/L. Pecoraro (eds.), *Sustainable development and management of water resources: A legal framework for the Mediterranean*, Institute for Legal Studies on the International Community, Rome.
- Marr, S., 2003. The precautionary principle in the law of the Sea, *Martinus Nijhoff*, The Hague, 46-99 pp.
- Mensah, T.A., 1999, The international legal regime for the protection and preservation of the marine environment from land-based sources of pollution, in: A. Boyle/D. Freestone (eds.), *International Law and Sustainable Development: Past Achievements and Future*